

بسم الله الرحمن الرحيم

1400/02/08

موضوع: بصیرت و بصیرت افزایی، شرط اساسی جامعه اسلامی!

جشنواره بصیرت کریم (بنیاد)

فهرست مطالب این برنامه:

کم لطفی تاریخ نگاران در حق امام مجتبی (سلام الله علیه)

لزوم نصب مجسمه «معاویه» در میدان‌های کشورهای اروپایی!

تعابیر تند قرآن کریم درباره افراد بی بصیرت جامعه!

توجه جدی پیامبر اکرم و امیرالمؤمنین (سلام الله علیهما) به لزوم بصیرت در جامعه اسلامی!

اگر امیرالمؤمنین خلیفه می شد چه اتفاقی در جامعه اسلامی می افتاد!؟

کینه عجیب «عمر بن خطاب» نسبت به امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

نظر و دیدگاه امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) نسبت به خلفای قبل خود!

در طول این 40 سال هر ضربه‌ای دیدیم، از خواص بی بصیرت دیدیم!

بینید دشمن چه کسی را تأیید می کند و چه کسی را می کوبد!

خیانت خواص بی بصیرت در حق آقا امام مجتبی (سلام الله علیه)

استاد: آیت الله دکتر حسینی قزوینی

تقدیم به پیشگاه با عظمت بقیه الله الاعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) صلواتی عنایت فرماید.

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله
والصلاة على رسول الله وعلى آله آل الله لاسيما على مولانا بقرية الله واللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى
يوم لقاء الله. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ

خجسته ميلاد حضرت امام مجتبی سبط اکبر و اولین یادگار امیرالمؤمنین و صدیقه طاهره را به پیشگاه
مقدس مولایمان بقریه الله الاعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) و همه علاقمندان به اهل بیت عصمت و
طهارت و شما گرامیان تبریک و تهنیت عرض می‌کنم.

خدا را به آبروی کریم اهل بیت و کریمه اهل بیت قسم می‌دهم، عیدی ما را فرج موفور السرور مولایمان بقریه
الله الاعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) و رفع گرفتاری‌ها و خلاصی کامل از این بیماری منحوس کرونا قرار
بدهد، با ذکر صلوات بر محمد و آل محمد!

از همه عزیزان و دست اندرکاران این جلسه با شکوه و شما شرکت کنندگان، تشکر ویژه دارم که در این شب
مقدس برای خشنودی قلب صدیقه طاهره و فرزند گرامیش بقریه الله الاعظم اینچنین محفلی در این فضای
آزاد تشکیل داده‌اید.

کم لطفی تاریخ نگاران در حق امام مجتبی (سلام الله علیه)

من عرایضم را در چند محور تقدیم شما بزرگوران خواهم کرد. محور اول در رابطه با خود میلاد امام حسن
مجتبی (سلام الله علیه) است.

البته این را عزیزان توجه داشته باشند که زندگی آقا امام مجتبی چند مرحله دارد، بعضی از مراحل در کتب
شیعه و سنی به صورت مفصل بیان شده و آن هم موضوع ولادت امام مجتبی تا روز رحلت نبی مکرم است.
در کتاب‌های شیعه مرحوم «کلینی» در کتاب «کافی» جلد 1 صفحه 461 و «احمد ابن حنبل» در کتاب
«مسند» خودش جلد 6 صفحه 391 و «الفتوح ابن اعثم»، «تاریخ ابن عساکر» و... شاید بالای شصت،
هفتاد روایت در رابطه با ولادت آقا امام مجتبی (سلام الله علیه) نقل کرده‌اند.

این که تولد ایشان چه روز و چه سالی بوده است، عمدتاً سال دوم هجرت، سال جنگ بدر، پانزدهم رمضان را ذکر کرده‌اند. این که رسول اکرم (صلی الله علیه و اله وسلم) ایشان را به نام «حسن» نام‌گذاری کرد. و فرزند دوم را به نام حسین نام‌گذاری کرد. به نام‌های «شَبْر» و «شَبِير»! شاید «ابن عساکر» آن‌چه در ذهنم است نزدیک بیست و اندی روایت فقط در این زمینه آورده است.

البته این که «بنی امیه» دستکاری کرده‌اند و در همین نام‌گذاری امام حسن مجتبی بعضی از مطالب زشت و سخیفی را به امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) نسبت داده‌اند، از آن‌ها بگذریم.

دوستان به کتاب «تاریخ دمشق» جلد 13 صفحه 171 مراجعه کنند خیلی به طور مفصل از این احادیث جعلی و دروغین در رابطه با نام‌گذاری امام مجتبی آورده‌اند.

این که رسول اکرم عقیقه‌ای روز هفتم برای امام مجتبی و همچنین امام حسین (سلام الله علیهما) داده‌اند در این زمینه مفصل در منابع اهل سنت سخن رفته است؛ ولی متأسفانه و با کمال تأسف بعد از رحلت نبی مکرم دیگر از زندگی امام حسن و امام حسین در کتب اهل سنت روایت و مطلبی نمی‌بینیم، جز همان یک روایتی که حتماً بارها شنیده‌اید آقا امام مجتبی و همچنین امام حسین آمدند مسجد و خطاب به خلیفه اول گفتند:

«انزل عن منبر أبي و اذهب إلى منبر أبيك»

از منبر پدر ما پایین بیا و بالای منبر پدر خودت برو!

تاریخ المدينة المنورة ، اسم المؤلف: أبو زيد عمر بن شبة النميري البصري، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1417هـ-1996م، تحقیق: علی محمد دندل ویاسین سعد الدین بیان؛ ج 2، ص

11

ابوبکر گفت پدر من منبر نداشت، لذا آمد این‌ها را نوازش داد و احترام کرد. من جز این یک مطلب، مطلب دیگری بعد از رحلت نبی مکرم از حسنین (علیهما السلام) نمی‌بینم.

تا قضایایی پیش می‌آید که در قضیه شورای شش نفره خلیفه دوم، امام مجتبی به عنوان شاهد در آن شورای شش نفره بودند.

امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در جمع آن پنج نفر یعنی «طلحه»، «زبیر»، «عبدالرحمن ابن عوف»، «سعد ابن ابی وقاص»، «عثمان»، بیش از شصت، هفتاد مورد از فضائل خودش و از احادیث نبی مکرم بر نص بر خلافت خودش و از آیاتی که در حق او نازل شده در آن جمع قرائت کرد و آنها را به خدا سوگند داد:

«أُنشِدُكُمْ اللَّهَ هَلْ سَمِعْتُمْ هَذَا أَمْ لَا؟ قَالُوا نَعَمْ»

آیا این‌ها را از نبی مکرم شنیده‌اید یا خیر؟ همه گفتند آری شنیده‌ایم!

مناقب علی بن ابی طالب (ع)، نویسنده: أحمد بن موسی ابن مردویه الأصفهانی، وفات: 410، تحقیق: جمعه ورتبه و قدم له: عبد الرزاق محمد سین حرز الدین، چاپ: الثانية، 1424 - 1382 ش، چاپخانه و ناشر: دار الحدیث، ص 130 - 133، ح 162

در آن شورای شش نفره، آقا امام مجتبی، آن‌هم به عنوان شاهد حضور داشتند. این یک نکته.

نکته دیگری که در حقیقت فلسفه این محفل با شکوه امشب است، موضوع بصیرت و بصیرت افزایی است. در یک جمله خدمت عزیزان عرض کنم خود مقام معظم رهبری هم بارها این تعبیر را داشتند: "جامعه اسلامی و مسلمان‌ها و اسلام عمدتاً از خواص بی بصیرت ضربه خورده‌اند، نه از دشمن"

لزوم نصب مجسمه «معاویه» در میدان‌های کشورهای اروپایی!

بینید قریش، دشمن سر سخت اسلام، سیزده سال با تمام توان در «مکه» علیه اسلام مبارزه کرد، هشت سال بعد از هجرت تمام قدرتش را برای نابودی اسلام و نبی مکرم بسیج کرد، ولی عاقبت در سال هشتم و در فتح «مکه» همه تسلیم شدند و شکست خوردند.

ولی متأسفانه همین دشمن سرسختی که زیر پرچم کفر هیجده سال جنگید و شکست خورد، در جنگ صفین در اثر بی بصیرتی خواص، همین افرادی که از اسلام فقط نامی فرا گرفته بودند و از سنت نبی فقط اسمی شنیده بودند، آمدند اسلام را شکست دادند، و نه اینکه فقط علی را شکست دادند!

آقای «محمد رشید رضا» در تفسیر «المنار» از قول یکی از مستشرقین می‌نویسد:

«إِنَّهُ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نُقِيمَ تَمَثُّلاً مِنَ الذَّهَبِ لِمَعَاوِيَةَ بْنِ أَبِي سُفْيَانَ فِي مَيْدَانِ كَذَا مِنْ عَاصِمَتِنَا (بَزَلِين) قِيلَ لَهُ: لِمَاذَا؟ قَالَ: لِأَنَّهُ هُوَ الَّذِي حَوَّلَ نِظَامَ الْحُكْمِ الْإِسْلَامِيِّ عَنِ قَاعِدَتِهِ الدِّيْمُقْرَاطِيَّةِ إِلَى عَصَبِيَّةِ الْعَلْبِ، وَلَوْلَا ذَلِكَ لَعَمَّ الْإِسْلَامُ الْعَالَمَ كُلَّهُ، وَلَكِنَّا نَحْنُ الْأَلَمَانَ وَسَائِرَ شُعُوبِ أُورُبَّةِ عَرَبًا وَمُسْلِمِينَ»

تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)؛ المؤلف: محمد رشید بن علی رضا بن محمد شمس الدین بن محمد بهاء الدین بن منلا علی خلیفة القلمونی الحسینی (المتوفی: 1354هـ)، الناشر: الهيئة المصرية العامة للكتاب، سنة النشر: 1990 م؛ ج 11، ص 214

می‌گوید اگر ما اروپایی‌ها مجسمه معاویه را از طلا بسازیم و در میدان‌های کشورهای اروپایی نصب کنیم، حق داریم؛ چون اگر معاویه نبود و علی را شکست نمی‌داد، اسلام سراسر جهان را گرفته بود و امروز از مسیحیت خبر و اثری نبود!

تعبیر تند قرآن کریم درباره افراد بی بصیرت جامعه!

لذا قرآن در رابطه با افراد بی بصیرت تعبیر خیلی زیبایی دارد. من تقاضا دارم عزیزان به آیه 46 سوره حج خوب دقت کنند، سخن با مسلمان‌ها نیست، سخن با کفار و یهود و منافقین نیست، سخن با کسانی است که دم از اسلام می‌زنند ولی بی بصیرت هستند؛

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ
وَلَكِن تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ

آیا آنان در زمین سیر نکردند، تا دلهایی داشته باشند که حقیقت را با آن درک کنند؛ یا گوشهایی شنوایی که با آن (ندای حق را) بشنوند؟! چرا که چشمهایی ظاهر نابینا نمی‌شود، بلکه دلهایی که در سینه‌هاست کور می‌شود.

سوره حج (22): آیه 46

فرمود آنچه که مایه نگرانی برای شما است، نابینایی برای شما نیست، نداشتن چشم برای دیدن دنیای زیبا نیست، بلکه آنچه که مایه نگرانی است بی بصیرتی‌هایی است که در شما است.

این قلب‌های شما کور و نابینا شده است، ولذا تعقل نمی‌کنید و آنچه که گوش‌های شما می‌شنود تدبیر نمی‌کنید، و آنچه که چشم‌هایتان می‌بیند مورد عبرت قرار نمی‌دهید.

در سوره اعراف آیه 179 یک تعبیر تندتری دارد می‌فرماید:

(لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ)

آنها دلها [= عقلها] ایی دارند که با آن (اندیشه نمی‌کنند، و) نمی‌فهمند؛ و چشمانی که با آن نمی‌بینند؛ و گوشهایی که با آن نمی‌شنوند؛ آنها همچون چهارپایانند؛ بلکه گمراهتر! اینان همان غافلانند (چرا که با داشتن همه‌گونه امکانات هدایت، باز هم گمراهند)!

سوره اعراف (7): آیه 179

فرمود: چشمی دارند، ولی نمی‌بینند؛ گوشی دارند، ولی نمی‌شنوند؛ نه اینکه این‌ها نابینا، کر و لال هستند نه! بصیرت ندارند. بعد قرآن می‌گوید: **(أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ)** اینها همانند حیوانات هستند، **(بَلْ هُمْ أَضَلُّ)** بلکه این‌ها از حیوانات هم پست‌تر هستند.

توجه جدی پیامبر اکرم و امیرالمؤمنین (سلام الله علیهما) به لزوم بصیرت در جامعه اسلامی!

در روایتی از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) که روایت خیلی زیبایی است می‌خوانیم که فرمود:

«لیس الأعمی من یعمی بصره»

نابینا کسی نیست که چشمش را از دست داده

«إنما الأعمی من تعمی بصیرته»

نابینا کسی است که بصیرت ندارد، چشم بصیرت او از بین رفته است.

نوادِر الأصول فی أحادیث الرسول صلی الله علیه وسلم؛ اسم المؤلف: محمد بن علی بن الحسن أبو عبد الله الحکیم الترمذی الوفاة: 360 هـ دار النشر: دار الجیل - بیروت - 1992 م، تحقیق: عبد الرحمن عمیره، ج 1، ص 211

امیرالمؤمنین مطالب مهمی در رابطه با بحث بصیرت دارد، من یکی دو نمونه آن را عرض می‌کنم. حضرت می‌فرماید:

«نَظَرُ الْبَصْرِ لَا يُجْدِي إِذَا عَمِيَتِ الْبَصِيرَةُ»

نگاه این چشم برای افراد سود و فایده نمی‌دهد برای کسی که بصیرت ندارد.

غرر الحکم و درر الکلم؛ تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، محقق/ مصحح: درایتی، مصطفی، ناشر: دفتر تبلیغات، ص 720، ح 23

در حدیث دیگری می‌فرماید:

«فَاقِدُ الْبَصْرِ سَيِّءُ النَّظَرِ»

آن کسی که بصیرت ندارد، رأی و حرف او ارزش ندارد!

غرر الحکم و درر الکلم؛ تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، محقق / مصحح: درایتی، مصطفی،

ناشر: دفتر تبلیغات، ص 482، ح 21

فرمود: آن کسی که بصیرت ندارد، رأی و حرف او ارزش ندارد. کسی که بی بصیرت است امروز حرفی می زند فردا خلاف حرفش را می زند.

امروز سخنی می گوید فردا سخنش را نقض می کند؛ چون بصیرت ندارد ظاهر را می بیند منافع شخصی خودش را در نظر می گیرد، سود خویشاوندان خودش را مورد ملاحظه قرار می دهد.

حضرت در جای دیگر می فرماید:

«فَقَدْ الْبَصْرُ أَهْوَنُ مِنْ فَقْدِ الْبَصِيرَةِ.»

غرر الحکم و درر الکلم؛ تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، محقق / مصحح: درایتی، مصطفی،

ناشر: دفتر تبلیغات، ص 481

آن کسی که چشمش را از دست داده معذور است، نمی بیند ولی آن کسی که بصیرتش را از دست داده و حقایق را وارونه می بیند، مصیبت برای این است.

بالاترین مصیبت، مصیبت کسی است که خود را از خواص می داند ولی متأسفانه بی بصیرت است، فقط جلوی پای خود را می بیند، آینده نگر نیست، حقیقت بین نیست، صلاح جامعه را در نظر نمی گیرد و عمدتاً صلاح و منفعت خودش را در نظر می گیرد. لذا ما در طول تاریخ از این افراد بی بصیرت ضربه خورده ایم.

اگر امیرالمؤمنین خلیفه می شد چه اتفاقی در جامعه اسلامی می افتاد!؟

رسول اکرم آن همه سفارش و آن همه تأکید بر خلافت آقا امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) داشتند؛ ولی ما دیدیم همین خواص بی بصیرت بلایی بر سر جامعه اسلامی آوردند و آتشی افروختند که الان بعد از 1400 سال، دود آن آتش به چشم مسلمان ها می رود.

من نمی‌خواهم در رابطه با آنچه که نبی مکرم در رابطه با امیرالمؤمنین از آیه 55 سوره مائده که به تعبیر «شیخ طوسی» قوی‌ترین دلیل شیعه بر خلافت بلافصل امیرالمؤمنین است صحبت کنم.

مفسران اهل سنت، مفصل در این زمینه مطالبی بیان کردند. آقایان می‌توانند به «تفسیر طبری» جلد 6، صفحه 390 و «تفسیر ابن ابی حاتم» جلد 4، صفحه 1142 مراجعه کنند.

آقای «آلوسی» در تفسیر «روح المعانی» جلد 6، صفحه 167-186-193 در ذیل آیه 55 و 67 سوره مائده به صراحت می‌نویسد که نبی مکرم فرمود این آیات در حق علی نازل شده نه غیر علی.

در آیه سوم سوره مائده به کتاب «تاریخ بغداد» با سند صحیح جلد 8، صفحه 274 مراجعه کنید و به تعبیر «ابن عباس» که می‌گوید 300 آیه در قرآن در شأن و خلافت و فضیلت علی نازل شده. اولین جلسه‌ای که رسول اکرم بعد از نزول آیه:

(وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ)

و خویشاوندان نزدیکت را انداز کن!

سوره شعراء (26): آیه 214

تشکیل می‌دهد، آقای «طبری» در کتاب تاریخ خودش با سند صحیح نقل می‌کند که حضرت فرمود: ای مردم! خدای عالم من را برای سه چیز فرستاد. یک: اعلام کنم من پیغمبر شما هستم. دوم:

«قولوا لا اله الا الله تفلحوا»

سوم: دست گذاشت بر شانه علی فرمود:

«إن هذا أخي ووصي وخليفتي فيكم فاسمعوا له وأطيعوا»

تاریخ الطبري؛ اسم المؤلف: لأبي جعفر محمد بن جرير الطبري الوفاة: 310، دار النشر: دار الكتب

العلمية - بيروت، ج 1، ص 543

از این بهتر و واضح‌تر؟! ولی چه کار کردند؟ آیا «یهودی»ها آمدند مسیر اسلام را عوض کردند؟ «نصارا» و «منافقین» آمدند؟ یا نه، همین خواص بی‌بصیرت این کار را انجام دادند؟ شما ببینید حدیث افتراق امت در کتب اهل سنت شاید بیش از صد کتاب اهل سنت این را بیان کردند که پیغمبر اکرم گوشزد کرد و فرمود:

«وَتَفْتَرُقُ أُمَّتِي عَلَى ثَلَاثٍ وَسَبْعِينَ مِلَّةً كُلَّهُمْ فِي النَّارِ إِلَّا مِلَّةً وَاحِدَةً»

بعد از من، امت من به هفتاد و سه فرقه متفرق می‌شود که هفتاد و دو فرقه اهل آتش هستند و یک فرقه اهل نجات هستند!

الجامع الصحيح سنن الترمذي؛ اسم المؤلف: محمد بن عيسى أبو عيسى الترمذي السلمى الوفاة: 279، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: أحمد محمد شاكر وآخرون، ج 5، ص

26، ج 2641

و همچنین «حاکم نیشابوری» در «المستدرک» جلد 1، صفحه 6 و صفحه 109 با سندهای صحیح و معتبر این روایت را آورده است. حالا در کتب‌های شیعه چقدر آمده من کاری ندارم؛ ولی با همه اینها دیدیم بعد از نبی مکرم چه کار کردند و آنچه که نبی مکرم بیم و هراس داشت و نگران بود و می‌فرمود:

«وَأَنْ تُوْمَرُوا عَلَيَّا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَلَا أَرَاكُمْ فَاعْلَيْنَ تَجِدُوهُ هَادِيًا مَهْدِيًّا يَأْخُذُ بِكُمْ الطَّرِيقَ الْمُسْتَقِيمَ»

مسند الإمام أحمد بن حنبل؛ اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني الوفاة: 241، دار النشر: مؤسسة قرطبة - مصر، ج 1، ص 108، ج 859

فرمود اگر علی را امیرالمؤمنین خود قرار بدهید گرچه می‌دانم نمی‌کنید؛ این اوج مظلومیت نبی مکرم است که می‌فرماید علی را امیرالمؤمنین‌تان قرار بدهید، گرچه می‌دانم این کار را نمی‌کنید، ولی تنها کسی که می‌تواند شما را به صراط مستقیم رهنمون کند علی ابن ابی طالب است.

«ابن جوزی» هم نقل می‌کند که پیامبر فرمود:

«وَأَنْ تَسْتَخْلَفُوا عَلِيًّا وَلَنْ تَفْعَلُوا تَجِدُوهُ هَادِيًا مَهْدِيًّا يَسْلُكُ بِكُمْ الطَّرِيقَ الْمُسْتَقِيمَ»

اگر علی را خلیفه خودتان قرار دهید گرچه می‌دانم نمی‌کنید، دنیای شما، دین شما، آخرت شما را آباد می‌کند.

العلل المتناهية في الأحاديث الواهية؛ اسم المؤلف: عبد الرحمن بن علي بن الجوزي الوفاة: 597، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1403، الطبعة: الأولى، تحقيق: خليل الميس، ج 1، ص 254

خیلی جالب است که صدیقه طاهره در همان خطبه غرائی که در جمع «مهاجرین» و «انصار» خواند، فرمود:

«والله لو تكافؤا علي زمام نبذه رسول الله... ولفتح عليهم بركات من السماء والأرض وسيأخذهم الله بما كانوا يكسبون.»

سوگند به خدا اگر زمام خلافت را که پیامبر خدا در اختیار علی قرار داده بود، از کف او بیرون نمی‌کردند ... برکات آسمان و زمین به روی آنان گشوده می‌شد. اما خداوند آنان را به گناهی که مرتکب شدند [به خلافت امام علی تن ندادند] مؤاخذه و عذاب خواهد نمود.

بلاغات النساء؛ اسم المؤلف: أبو الفضل أحمد بن أبي طاهر ابن طيفور (المتوفى: 280هـ) الوفاة: 280، ج 1، ص 9

فرمود: "اگر با علی بیعت کنید برکات آسمان و زمین بر سر شما می‌بارد، و از تمام نعمت‌های زمینی و آسمانی برخوردار می‌شوید. اگر دنیای‌تان را می‌خواهید سراغ علی بروید." «سلمان» می‌گوید آی مردم:

«لو بايعوا علياً لأكلوا من فوقهم ومن تحت أرجلهم»

اگر با علی، بیعت کنید از بالای سرتان و زیر پای‌تان نعمت‌ها بر شما سرازیر خواهد شد.

أنساب الأشراف؛ اسم المؤلف: أحمد بن يحيى بن جابر البلاذري (المتوفى : 279هـ)؛ ج 1، ص 255

یعنی اینها فقط به علی ظلم نکردند بلکه به بشریت ظلم کردند. جامعه بشری را از نعمت‌های خدا دادی محروم کردند. شکاف طبقاتی که ایجاد کردند، یک عده خواص ثروت‌های باد آورده‌ای که از پارو پول‌شان

بالا می‌رفت سراغ دنیا رفتند و علی را خانه نشین کردند جامعه اسلامی را بدبخت کردند. لذا تنها فقط به اهل بیت ظلم نشد، فقط به شیعه ظلم نشد!

کینه عجیب «عمر بن خطاب» نسبت به امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

شما وصیتی که خلیفه دوم می‌کند را ببینید؛ شاید نزدیک بیست روایت در کتب اهل سنت پیدا کردم که عبارت خلیفه دوم را نقل کرده اند. ایشان در بستر مرگ است می‌گوید:

«لو ولوها الأجلح سلك بهم الطريق»

اگر علی ابن ابی طالب ولی شما شود، این جامعه را به صراط مستقیم هدایت می‌کند.

بعد راوی می‌گوید من گفتم: جناب خلیفه شما که این عقیده را دارید، چرا وصیت نمی‌کنید بعد از شما، علی خلیفه باشد؟ «عمر بن خطاب» گفت:

«أكره أن أتحملها حيا وميتا»

من نه در حال حیاتم تحمل علی را دارم و نه بعد از مرگم تحمل علی را دارم!

حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء؛ اسم المؤلف: أبو نعیم أحمد بن عبد الله الأصبهانی الوفاة: 430، دار

النشر: دار الكتاب العربي - بیروت - 1405، الطبعة: الرابعة، ج 4، ص 152

این واژه را شاید سی نفر از بزرگان اهل سنت آوردند.

نظر و دیدگاه امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) نسبت به خلفای قبل خود!

ما باید دقت کنیم وقتی جنایات عثمان به اوج اعلیٰ می‌رسد که امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در

«نهج البلاغه»، خطبه 150 تعبیرش این است:

«و ذَهَلُوا فِي السُّكْرَةِ عَلَى سُنَّةٍ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ»

این خلفای گذشته جامعه را به جامعه سنت آل فرعون مبدل کردند!

نهج البلاغة (للصباحي صالح): نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، ناشر: هجرت، محقق/

مصصح: فیض الاسلام، ص 209، خطبه 150

در نامه 53 «نهج البلاغه» به «مالک اشتر» می‌فرماید:

«فَإِنَّ هَذَا الدِّينَ قَدْ كَانَ أَسِيرًا فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ»

نهج البلاغة (للصباحي صالح): نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، ناشر: هجرت، محقق/

مصصح: فیض الاسلام، ص 435، نامه 53

آیا تا به حال در این جملات علی دقت کردید؟ این افرادی که علی می‌گوید دین در دست اشرار اسیر بود، چه کسانی بودند؟ افراد جامعه گوشه کنار؟ «یهود» و «نصارا»؟ یا نه، خواص بی‌بصیرت؟! ما یک مقداری دقت کنیم تاریخ در حال تکرار شدن است.

امیرالمؤمنین با «عبدالرحمن بن عوف» دیدار می‌کند؛ خیلی جالب است. دوستان به کتاب «انساب الأشراف بلاذری» جلد 5، صفحه 546 مراجعه کنند، ده دوازده تا روایت آورده و نیز «ابو الفداء» در تاریخش جلد 1، صفحه 166 به طور مفصل آورده است.

«لما توفي أبو ذر بالربذة تذاكر علي وعبد الرّحمن بن عوف فعل عثمان فقال علي: [هَذَا عمك،] فقال

عبد الرّحمن: إذا شئت فخذ سيفك وأخذ سيفي، إنه قد خالف ما أعطاني»

جمل من أنساب الأشراف؛ المؤلف: أحمد بن يحيى بن جابر بن داود البلاذري (المتوفى: 279هـ)،

تحقيق: سهيل زكار ورياض الزركلي، الناشر: دار الفكر - بيروت، الطبعة: الأولى، 1417 هـ - 1996 م؛

ج 5، ص 546، قَوْل عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَوْفٍ فِي عُثْمَانَ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ، ح 1404

امیرالمؤمنین می‌گوید: «عبدالرحمن بن عوف» تو آمدی عثمان را عَلم کردی تا شاید بعد از عثمان خلافت به تو برسد، این همه ظلم و جنایتی که می‌شود، تو در تمام این‌ها سهیم هستی، تو باعث شدی عثمان روی کار بیاید.

«عبدالرحمن» می‌گوید: من اشتباه کردم. یا علی، شمشیر بردار دو نفری برویم عثمان را بکشیم. الان! فردا بگویند علی قاتل عثمان بوده؟ علی که کاری نکرده بود، «جنگ صفین» هیجده ماهه به همین بهانه علیه علی به پا داشتند.

وقتی عثمان به عیادت «عبدالرحمن بن عوف» می‌آید، «عبدالرحمن» صورتش را از او بر می‌گرداند و با او حرف نمی‌زند و می‌گوید: اگر من با تو بیعت نکرده بودم، این ظلم‌ها را باعث نمی‌شدی.

در طول این 40 سال هر ضربه‌ای دیدیم، از خواص بی‌بصیرت دیدیم!

در این‌جا به این جمله هم اشاره کنم که ما در طول این 40 سال هر ضربه‌ای دیدیم، از خواص بی‌بصیرت دیدیم. از افرادی که در رأس قدرت‌ها بودند و یا در گذشته بودند و در اثر بی‌بصیرتی آمدند مردم را به خاک و خون کشیدند.

الان جامعه اسلامی، جامعه ایرانی واقعاً جامعه‌ای است که اگر نبود آن اعتقادات مردم به خدا و قیامت و نظام جمهوری اسلامی، در هر کشوری این همه مشکلات ایجاد شده بود، قطعاً مردم شورش کرده بودند؛ ولی مردم پایبند دین، اسلام و ولی فقیه هستند.

تمام مردم نگاه‌شان به لب‌های رهبری است. اگر رهبری لب بجنباند، مردم تکلیف این افرادی که در این میدان اقتصادی و... جولان می‌دهند و برای نزدیکان‌شان ثروت‌ها و مقام‌ها تهیه می‌کنند ولی برای مشکلات مردم از پشت شیشه دودی نگاه می‌کنند و می‌گویند بله مردم دارند می‌خندند و خوشحال هستند را؛ یک سره خواهند کرد.

آن‌هایی که در قضیه فتنه 88 بودند، هنوز ما فراموش نکرده‌ایم که چه کسانی بودند این فتنه 88 را روشن کردند. جز خواص بودند؟! خدا می‌داند ما در ذهن‌مان هم نمی‌آمد که افرادی که در رأس قدرت بودند بیایند با دشمنان دین، با دشمنان مذهب، با وهابیتی که شیعه را کافر معرفی می‌کند، شیعه را واجب‌القتل و مشرک می‌داند، بیایند با آن‌ها برای نابودی جمهوری اسلامی هم پیمان بشوند؟

به تعبیر «رهبری» که فرمود: "من از هر چه بگذرم از آتش افروزان فتنه 88 نمی‌توانم بگذرم." آن آقای که وقتی می‌آمد پیام می‌داد: "به نظر من به فلان آقا رأی بدهید"، امسال در ایام عید شنیدیم پیام داده: "من به جای تبریک عید، می‌خواهم با مردم به خاطر مشکلات‌شان همدردی کنم!!"

عذر می‌خواهم، تو خیلی غلط کردی دیروز آمدی با پیامت مردم را به آن طرف بردی و امروز فقط همدردی می‌کنی!

این مردمی که برای نان شب‌شان محتاج شدند. با این مشکلات و صف‌های متعدد مرغ و تخم مرغ و فردا هم به قول آقایان صف ماهی و میگو تشکیل خواهند داد و هر روز یک مصیبتی درست می‌شود، در برابر این مظلومیت و ستم‌هایی که برای ملت «ایران» روا داشتید چه پاسخی دارید؟

ما از آقایان «سلب‌ریتی‌ها» - نمی‌خواهم بگویم هنرمند‌ها - تقاضا می‌کنم حرف نزنید، بروید در خانه‌هایتان همان پول‌های باد آورده‌ای که از نظام جمهوری اسلامی گرفته‌اید بخورید و کنار زن و بچه خود بمانید و با کف زدن‌های خود، مردم را به خاک و خون نکشید.

عزیزان و سروران عزیزم! این انتخابات، انتخاب سرنوشت ساز است. و هر روز دارد به قولی از طرف قسم حضرت عباس و از طرفی دیگر دم خروس‌شان معلوم می‌شود و صوتی که آقایان اخیراً در رسانه‌ها «بی بی سی» و ... پخش کردند واقعاً مایه تأسف است.

هرگز مردم و ملت «ایران» و خانواده شهداء و رزمندگان، تصور نمی‌کردند یک فردی که تأیید صریح شخص «مقام معظم رهبری» را دارد، بیاید نسبت به یک کسی که افتخار جمیع انسان‌های آزاده است یعنی «سردار سلیمانی»، اینچنین مطالبی را در اختیار دشمن قرار بدهد.

ما نمی‌دانیم این‌ها چه کار دارند می‌کنند و دنبال چه جنگ روانی دیگری هستند! به نظر من بر همه واجب عینی است مثل نماز و روزه که مردم را آگاه کنند و کسی در رأس کار قرار بگیرد که با «رهبری» هماهنگ باشد.

نه اینکه کسی بیاید که «رهبری» ده تا حرف بزند یکی از سخنان «رهبری» را هم در جامعه پیاده نکند و فقط شعار بدهد که ما تابع «رهبری» هستیم.

این «نظام جمهوری اسلامی» طی قانون اساسی در رأس قله‌اش «رهبری» است. افراد پایین دست چه «رئیس جمهور» باشد، چه «رئیس قوه قضائیه» باشد و چه «رئیس مجلس» باشد، مادامی که همسو با «رهبری» است، «جامعه ایرانی» را می‌تواند نجات بدهد و مشکلات اقتصادی و سیاسی و امنیتی را حل کند.

آن آقایانی که دارید مقاومت را زیر سوال می‌برید، به «عراق» و «سوریه» و «یمن» نگاه کنید، ببینید دولت «عربستان سعودی» با همکاری «آمریکا» و «اسرائیل غاصب» چه مصیبت‌هایی بر سر این‌ها آورده است! من یک شب برنامه زنده تلویزیونی داشتم، یک آقای از «عراق» زنگ زد گفت فلانی سه ماه است «داعشی»‌ها آمدند همسرم، دخترم، عروسم را بردند و نمی‌دانم چه سرنوشتی دارند، پشت تلفن مرتب گریه می‌کرد و خدا می‌داند الان دارم نقل می‌کنم بدنم می‌لرزد.

اگر این مقاومت نبود، اگر این «سردار سلیمانی»‌ها نبودند، ما باید با «داعش» در «کردستان» و «همدان» می‌جنگیدیم. صدها برابر این شهدائی که در دفاع از حرم دادیم، باید شهید می‌دادیم تا این‌ها را از «ایران» بیرون می‌کردیم.

آن وقت این‌ها بیایند بحث میدان و دیپلماسی را مطرح بکنند، یعنی واقعاً خجالت دارد و بعضی‌ها حیاء را خورده‌اند، شرم را هم قورت دادند!!

در هر صورت ...

امیرالمؤمنین به «عبدالرحمن ابن عوف» می‌گوید: در رابطه با این رأیی که دادی و «عثمان» را روی کار آوردی و او این همه مشکلات درست کرد، تو در تمام این مشکلاتی که برای مردم درست کردی سهیم هستی و فردای قیامت باید پاسخگو باشی.

امروز هم اگر ما کوتاهی کنیم و افراد دیگری روی کار بیاید که با «آمریکا» و «اسرائیل غاصب» و «عربستان سعودی» همسو باشند، والله فردای قیامت مسئول هستیم؛ پیش خانواده شهداء مسئول هستیم؛ پیش معلولین و جانبازان عزیز که هر روز برای آنها یک شهادت است، مسئول هستیم. ما باید اطلاع رسانی کنیم و مردم را آگاه کنیم.

ببینید دشمن چه کسی را تأیید می‌کند و چه کسی را می‌کوبد!

از امیرالمؤمنین سوال می‌کنند: بعضی وقت‌ها امر بر ما مشتبه است، دشمن در کدام طرف است و دوست در کدام طرف است؟ چون در قضیه «جنگ صفین» بعضی وقت‌ها به قدری وضع دگرگون می‌شد که دوست و دشمن از همدیگر شناخته نمی‌شدند!

حضرت فرمود: ببینید کجا را می‌کوبند؟ آن‌جا منطقه خودی است، آن کسی که می‌کوبد آن طرف دشمن است.

شما ببینید رسانه‌های بیگانه «بی بی سی»، «ووآ»، «من و تو» و شبکه‌های دیگر در این رسانه‌ها و نیز سلبریتی‌ها، هر کسی را معرفی کردند، بدانید آن فرد، خائن به دین، خائن به قرآن، خائن به ملت، خائن به خون شهداء است. هر کسی را آنها معرفی کردند بدانید دشمن در آن سمت و سو است.

هر کجا را آنها زدند و هر کاندیدایی را آنها کوبیدند، بدانید آن خار دشمن و استخوان در گلوی دشمن است و این بهترین تشخیص از امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) است.

من مطالب زیادی داشتم دیگر فرصت نیست مطرح کنم. ان شاء الله عزیزانمان بعد از من برنامه‌های دیگری هم دارند ان شاء الله همه فیض می‌بریم.

فقط دقت کنیم یکی از چیزهایی که خیلی برای من مایه تأسف است این است که بعضی از کسانی که خود را روحانی و فرزند حوزه می‌دانند و بعضاً از مقدسات مذهبی سخنی می‌گویند که نمی‌دانم فردا چه جوابی دارند؟

یک روزی بحث مذاکره امام حسین با «عمر سعد» را مطرح می‌کنند، یک روزی قضیه امام مجتبی را با «معاویه» مطرح می‌کنند، نمی‌دانم این‌ها در حوزه چه خوانده بودند؟ از تاریخ چه خبری دارند؟

برای این‌که کارهای خودشان را توجیه کنند، دارند از مقدسات مذهبی سرمایه‌گذاری می‌کنند، در این زمینه حوزه و روحانیت بزرگوار دقت کنند و پاسخ‌های لازم را بدهند و بصیرت افزائی کنند.

این‌که نسبت به آقا امام مجتبی (سلام الله علیه) این مطالب را مطرح می‌کنند همان‌طوری که از «مقام معظم رهبری» بیان کردند اگر چنانچه امیرالمؤمنین در زمان امام مجتبی بود، و یا برای آقا امام حسین همین موقعیت امام حسن پیش می‌آمد، جز کاری که امام حسن کرد، آن‌ها نمی‌کردند. بحث صلح، و این‌که میدان را برای دشمن خالی کردن نبود.

خیانت خواص بی بصیرت در حق آقا امام مجتبی (سلام الله علیه)

آقا امام حسن به خاطر خیانت خواص این کار را کرد. شما ببینید وقتی «عبیدالله عباس» فرمانده منصوب امام مجتبی، 5 هزار درهم یا دینار از «معاویه» می‌گیرد و لشکر را خالی و در بیابان می‌گذارد و به «معاویه» می‌پیوندد و بعد از پیوستن، 5 هزار دینار دیگر می‌گیرد، این خیانت خواص بود که آقا امام مجتبی را به این‌جا کشاند.

ما در روایات متعدد داریم، در کتاب «امالی» اثر «شیخ طوسی» هشت، نه صفحه آقا امام مجتبی در رابطه با قضیه معاهده‌ای که با «معاویه» می‌کند بیان می‌کند.

می‌گوید: پیغمبر اکرم اگر کمک داشت با «قریش» در «مکه» می‌جنگید، اگر علی بعد از رحلت پیغمبر کمک و انصار داشت با مخالفین می‌جنگید؛

«وَقَدْ خَذَلْتَنِي الْأُمَّةُ وَبَايَعْتِكَ يَا ابْنَ حَزْبٍ، وَ لَوْ وَجَدْتُ عَلَيْكَ أَعْوَاناً يَخْلُصُونَ مَا بَايَعْتُكَ»

ای معاویه! اگر من هم نیرو و کمک داشتم یک لحظه با تو صلح نمی‌کردم و با تو می‌جنگیدم.

الأمالی (للطوسی): نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، ناشر: دار الثقافة، قم، 1414ق، ص 566

این‌ها کاملاً واضح و روشن است که خیانت خواص، خیانت افرادی که بصیرت نداشتند، آقا امام مجتبی را به مرحله‌ای می‌رساند که مجبور می‌شود برای رعایت حال مسلمین و مصلحت اسلام و مصلحت شیعه، اینچنین کاری را انجام بدهد.

آقا امام مجتبی جنگ مستقیم و مباشر را به جنگ غیر مستقیم تبدیل می‌کند و با افشاگری علیه «معاویه»، لباس اسلامی که «معاویه» پوشیده را به مردم معرفی می‌کند و زمینه قیام امام حسین را فراهم می‌کند.

اصلاً یک بحث مفصلی که وجود دارد این است که صلح امام مجتبی، بزرگ‌ترین زمینه ساز قیام امام حسین بود. امروز اگر اسلام زنده است، شیعه زنده است به برکت قیام آقا امام حسین (سلام الله علیه) است.

ولذا ما تلاش کنیم آن کسانی که فاقد بصیرت هستند آن کسانی که با ظاهر بینی و لحاظ منافع شخصی و دوستان و نزدیکان‌شان، کارهایی انجام می‌دهند که واقعاً شرم آور است این‌ها را به مردم معرفی کنیم و کسانی که به میدان می‌آیند و با «رهبری» همخوان و همسو هستند را به مردم معرفی کنیم.

عده ای خود را فرزند «رهبر» می‌دانند! غلط کردی گفتمی من فرزند «رهبر» هستم! تو سرباز رهبر هستی. «رهبر»، فرزند نمی‌خواهد، «رهبر» سرباز می‌خواهد. «رهبر» امروز سراغ «عمار» می‌گردد، دنبال این است و می‌گوید «أَیْنَ عمار، أَیْنَ عمار!»

در این اواخر چقدر قضایا پیش آمد که «رهبری» خودشان مستقیم وارد شدند، این واقعاً مایه تأسف است.

من بیش از این، عزیزان را معطل نکنم. شب میلاد است و چند جمله دعا کنم: خدا را قسمت می‌دهیم به آبروی کریم اهل بیت که پیش خداوند خیلی آبرو دارد؛ یکی از اساتید می‌فرمود مظلومیت آقا امام حسن به مراتب از مظلومیت امام حسین بالاتر است.

خداوند آقای «محمدعلی نجار» را بیامرزد. ایشان می‌گفت: امام حسین، هر مصیبتی داشت یک روز بیش‌تر نبود؛ ولی آقا امام مجتبی (سلام الله علیه) ده سال تمام زجر کشید و مصیبت دید، خون دل خورد و هر روز برای امام حسن یک عاشوراء بود.

خدایا به آبروی امام حسن سوگند می‌دهیم هر چه سریع‌تر لباس فرج بر اندام ملکوتی مولایمان بقیة الله الأعظم بیوشان. ما را از یاران خاص، سربازان فداکار آن بزرگوار قرار بده. انقلاب ما را به انقلاب جهانی‌اش متصل بفرما.

خدایا خیر دنیا و آخرت به ما ارزانی بدار. شر دنیا و آخرت از ما دور بگردان. خدایا این ویروس منحوس کرونا را از سراسر جهان بویژه کشور «ایران» به حق آقا مجتبی هر چه سریع‌تر ریشه کن بگردان.

خدایا خدمتگزاران به اسلام و قرآن و اهل بیت بالأخص «مقام معظم رهبری» موفق و مؤید بدار، حوائج ما بر آورده نما، دعا‌های ما را به اجابت برسان.

هدیه به ارواح پاک انبیاء، اولیاء، شهدا، صدیقین، صالحین بالاخص امام راحل صلوات بفرستید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»